

پیشنهاد احیای یک سنت علمی

بهمن بنی‌هاشمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حاشیه، شرح و تعلیقه‌نویسی، از جمله سنت‌های علمی تاریخ ایرانی- اسلامی بوده است که امروزه خیلی کمتر به آنها توجه می‌شود. اگر از شروحاتی که در دوران معاصر بر کتب مختلف نوشته می‌شود بگذریم، می‌توانیم ادعا کنیم که سنت‌های مذکور به طور کل در دوران ما متروک شده است. حاشیه‌نویسی در سنت اسلامی، یکی از روش‌های پرکاربرد اظهار نظر علمی، فقهی و کلامی بوده است. در این سنت بسیاری از علما و فقها و متکلمین، وقتی می‌خواستند چیزی در تشریح، تکمیل و یا نقد و اصلاح اثری بنویسند، بر آن اثر حاشیه می‌زدند. البته حواشی‌یی که بر کتب فلسفی و کلامی نوشته می‌شد، معمولاً نام تعلیقه به خود می‌گرفت. حاشیه‌هایی که در دوره صفوی و قاجار تألیف شده است، بر خلاف آنچه از حاشیه‌نویسی انتظار می‌رود، معمولاً از خود متون پیچیده‌تر و دشوارتر است. از این روی نباید حاشیه‌نویسی را صرفاً عملی برای توضیح و تشریح و تسهیل متن اصلی تلقی کنیم. با بررسی تاریخ علوم عقلی و نقلی، گاه با نمونه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که برای یک متن به‌خصوص، تعداد زیادی حاشیه و یا سلسله‌ای از حواشی نوشته شده است. مثلاً بر حاشیه خفری (متوفی ۹۴۲ هـ.ق)، بر شرح قوشچی (متوفی ۸۷۹ هـ.ق) بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیر طوسی (متوفی ۶۷۲ هـ.ق)، دست کم ۳۱ حاشیه و بر حاشیه جرجانی بر شرح قدیم تجرید الاعتقاد، ۲۶ حاشیه نوشته‌اند. همچنین در میان بیش از صد شرحی که بر کافیه ابن‌حاجب (متوفی ۶۴۶) نوشته‌اند، بر شرح الفوائد الضیائیه از عبدالرحمان جامی (متوفی ۸۹۸) ۴۶ حاشیه نوشته شده است. گاه شخصی بر متنی حاشیه‌ای نوشته است و شخص دیگری بر آن حاشیه، حاشیه دیگری نوشته و سپس حاشیه‌نویس اول مجدداً حاشیه‌ای بر حاشیه حاشیه‌نویس دوم نوشته است. برای مثال ملا جلال دوانی (متوفی ۹۰۸ هـ.ق) حاشیه‌ای بر شرح تجرید الاعتقاد قوشچی نوشته است و سپس دیگران حاشیه‌هایی بر حاشیه او زده‌اند. پس از



آن دوانی دو حاشیه دیگر بر حاشیه خود نوشته است. حاشیه اول را حاشیه قدیمه، حاشیه دوم را حاشیه جدیده و حاشیه سوم را حاشیه اخیره یا حاشیه اجده نامیده‌اند. پس از فوت ملا جلال دوانی نیز غیاث‌الدین منصور دشتکی (متوفی ۹۴۸ هـ.ق) حاشیه‌هایی بر حاشیه‌های او نوشته است. حاشیه‌ها گاه در قسمت‌های سفید کتب اصلی نوشته شده (کاتبان همیشه بخش قابل توجهی از اطراف متن را برای حاشیه‌نویسی خالی می‌گذاشتند) و گاه مستقلاً در مجلدی مجزا ارائه شده است. تقریباً هیچ دسته‌بندی دقیق و تعریف جامع و مانعی نمی‌توان برای حاشیه و تعلیقه و شرح ارائه داد؛ از سویی شروخی را می‌توان یافت که نام تعلیقه به خود گرفته‌اند و از سوی دیگر میان تعلیقه و حاشیه مرز مشخصی دیده نمی‌شود.

یکی از کاربردهای حاشیه‌نویسی در نوشتن رساله‌های عملیه بوده است. به این نحو که اگر مرجع تقلیدی فوت می‌کرد، مرجع دیگری که پس از او فتوا می‌داد، به جای تألیف رساله جدید، حاشیه‌ای بر رساله مرجع پیشین می‌نوشت و فتاوی متفاوت را به این طریق مشخص می‌کرد و در مواردی نیز همان فتاوی پیشین را تأیید می‌کرد. به این طریق نیازی به تألیف رساله‌ای جدید نبود. یکی از قدیمی‌ترین توضیحات را درباره اهداف حاشیه‌نویسی و روش‌های آن، قاضی عیاض بن

موسی یحْصَبی (متوفی ۵۴۴ هـ. ق.) در «اللماع الی معرفه الاصول الراویه و تقييد السماع» ارائه داده است. پس از این کتاب نیز جسته و گریخته در منابعی دیگر شیوه‌ها و اهداف حاشیه‌نویسی توضیح داده شده است. شیوه‌ها و علل و اهداف حاشیه‌نویسی را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: شرح و تفسیر که گاه حجم آن از خود متن افزایش می‌یابد، نقد و تحلیل و تبیین اشکالات محتوایی، روزآمد کردن اطلاعات (مانند حواشی بر رساله‌های عملیه)، اصلاح اغلاط استنساخ اعم از رفع از قلم‌افتادگی‌ها و تصحیح الفاظ غلط.

لزوم احیای سنت حاشیه‌نویسی

در دنیای معاصر با پیشرفت‌های متعددی که در حوزه چاپ و نشر صورت گرفته، این سنت فراموش شده است. سهولت چاپ و نشر کتاب، به اتفاق ناخوشایند کتاب‌سازی دامن زده است. دوباره‌کاری، یکی دیگر از آفت‌های کتب پژوهشی است. فراوان دیده‌ایم که در موضوعی پرمخاطب، افراد بسیاری دست به تألیف و چاپ کتاب زده‌اند. گاه یک کتاب آموزشی را چندین و چند نفر تألیف و منتشر کرده‌اند، ولی معمولاً هیچ تفاوت اساسی‌یی در اصل مباحث و موضوعات این کتب دیده نمی‌شود (مثلاً کتابهای دستور زبان، بدیع، بیان و یا عروض و قافیه در حوزه زبان و ادبیات فارسی یا آموزش صرف و نحو در زبان عربی). در اکثر قریب به اتفاق این کتابها، اختلاف‌نظرها آن قدر اندک است که با نوشتن تعلیقه‌ای در حد چند صفحه انگشت‌شمار، می‌شد مخاطبان را از مراجعه به کتابی جدید بی‌نیاز کرد. احیای این سنت، تا حد زیادی از کتاب‌سازی و دوباره‌کاری می‌کاهد. با مراجعه به حواشی نوشته شده بر یک کتاب، اختلاف‌نظر متخصصان آن حوزه به سرعت فهمیده می‌شود و شرح‌ها، نقدها و نظرات به آسانی در دسترس خواهد بود. یعنی افراد برای آگاهی از تفاوت‌های دو کتاب (که در یک حوزه نوشته شده‌اند) نیاز ندارند که حجم زیادی مطالب تکراری را دوباره بخوانند و با صرف زمانی اندک می‌توانند از تفاوت دیدگاهها آگاه شوند. از سوی دیگر این موضوع به فرایند نقد در علوم مختلف دامن می‌زند و سبب می‌شود در هر موضوع سلسله گفت‌وگوهایی بین صاحب‌نظران شکل بگیرد. کما اینکه این سلسله گفت‌وگوها در تاریخ علوم عقلی و نقلی در ایران و برخی کشورهای اسلامی به وفور قابل ردیابی است.

حواشی و تعلیقاتی که بر متون نوشته می‌شود، ممکن است با پذیرش نویسنده متن اصلی و مسؤول انتشارات، در چاپ‌های بعدی به کتاب محشی علیه افزوده شود و یا به صورت کتاب یا مقاله‌ای مجزاً منتشر شود. حاشیه‌نویسی و تعلیقه‌نویسی چه تفاوتی با مقاله نقد کتاب خواهد داشت؟ معمولاً در مقالات نقد کتاب، منتقد موظف است چارچوب خاصی را رعایت کند و سعی کند حجم مطلبش از میزان به خصوصی کمتر یا بیشتر نشود، اما یک حاشیه‌نویس می‌تواند به اندازه متن محشی علیه یا حتی بیشتر از آن بنویسد یا فقط در حد یک پاراگراف بر بخشی از یک متن حاشیه بزند. در مقالات نقد کتاب، معمولاً ایرادهای کتب تبیین می‌شود، اما حاشیه یا تعلیقه ممکن است در تکمیل یا شرح یک مبحث علمی، ادبی یا فلسفی



نوشته شده باشد. حاشیه‌نویسی چه در ردّ و اصلاح متن باشد و چه در تأیید و تکمیل آن، به وضوح و شرح بیشتر موضوع کمک می‌کند و تا حدود زیادی از کتاب‌سازی‌ها و دوباره‌کاری‌های حوزه پژوهش می‌کاهد و فضایی برای گفت‌وگو فراهم می‌سازد.

ناگفته نماند که بسیاری از کتاب‌سازی‌های دوران ما به امید ارتقای مرتبه علمی و کسب امتیاز صورت می‌پذیرد؛ بنابراین می‌توان تمهیداتی اندیشید و با در نظر گرفتن جنبه‌های خاصی، امتیازی برای حواشی کتب علمی در نظر گرفت تا استادان و دانشجویان به همان اندازه که حرف حساب در چنته دارند، بنویسند نه بیشتر (البته به شرطی که حاشیه‌نویسی و کتاب‌سازی گشوده شود). می‌توان مجله یا مجلاتی مختص انتشار حواشی تعریف و راه‌اندازی کرد و در آن از یادداشت‌های یک پاراگرافی تا حواشی ۵۰ صفحه‌ای را منتشر کرد. همچنین هر شخص می‌تواند مجموعه‌ای از حواشی و تعلیقاتش بر کتب مختلف (مثلاً بر مجموعه متون درسی ادبیات) را یک‌جا جمع‌آوری و در یک مجلد منتشر کند. البته مورد اخیر چیزی شبیه به چاپ یادداشت‌های پراکنده خواهد بود. جمع شدن حواشی متعدد و تبدیل آنها به یک کتاب زمان‌بر است و ممکن است با گذشت زمان برخی از حواشی از حیث ارتفاع ساقط شود. پس بهتر است چنین یادداشت‌هایی پیش از آنکه تاریخ گذشته یا تکراری شود در مجلات منتشر شود؛ به‌ویژه در مجلاتی که مخصوص انتشار حاشیه‌ها باشد.